

۱۴۷۲۶۱۴

بیماری‌های فرهنگی

پروفسور و نگارش:

جمشید محبوبی

تهران، ۱۳۹۶

سرشناسه	:	محبوبی، جمشید، ۱۳۲۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	بیماری‌های فرهنگی / پژوهش و نگارش جمشید محبوبی.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات عمران، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۴۳۱ ص: مصور.
شابک	:	978-600-5155-14-3
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	فرهنگ -- مطالب گونه‌گون
موضوع	:	Culture -- Miscellanea
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۵ پ۹۲۴/م۶۲۱ HM۶۲۱
رده بندی دیویی	:	۳۰۶
سوره کتابشناسی ملی	:	۲۳۶۰۳۶۱



انتشارات عمران

۶۶۹۷۳۶۲۵ - ۶۶۹۷۵۰۰۰

بیماری‌های فرهنگ

پژوهش و نگارش:

جمشید محبوبی

طراح جلد: داریوش گلسترخی

چاپ نخست: ۱۳۹۶

چاپ و صحافی: سپیدار

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۵۵-۱۴-۳

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار
۹	نقش فرهنگ در حمایت از زندگی اقتصادی بشر
۲۳	فرهنگ گفتار
۳۳	بیماری‌های فرهنگی
۱۰۷	حقوق شهروندی
۱۱۱	تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پدیده‌های اجتماعی
۱۱۳	سرمایه‌ی ناهنجاری‌های اجتماعی
۱۱۹	بیماری‌های رفتاری
۱۲۷	فرهنگ پنداری
۱۸۲	داستان‌های دلپذیر
۱۹۷	گفتار دیگر درباره‌ی فرهنگ
۲۰۱	بحث فرهنگ از دیدگاه مردم جهان
۳۷۳	فرهنگ انتقالی
۴۰۷	فرهنگ‌سازی
۴۲۹	منابع و مآخذ

پیشگفتار

در این کتاب، نخست سخن از فرهنگ است. این پدیده‌ی فعال و نقش آفرین، که هم‌اکنون شئون مادی و معنوی انسان از آن مایه می‌گیرد، فراگیرترین یادمان نه‌بشر است که طی قرون و اعصار به نیکوترین صورت پدید آمده، روز به روز پسندیده‌تر از پیش، به زندگی جمعی پرتو افکنده و در تکوین تمدن درخشان از مان نقش آفرین بوده است. بنابراین جای گفتن دارد که فرهنگ پلی میان زمین و آسمان ایجاد می‌کند و آفرینندگان آن در برخی از سطوح زندگی جمعی مردمان کوچه و بازارند که با صدق و صفای تمام ضرورت پالودگی و دردن باهتجاری‌ها را از زندگی گروه‌ها توصیه کرده‌اند. چه زیباست که گمان شد که فرهنگ جزیی از پیکر بشریت است که پس از خروج او از زندگی جنگلی و از آغاز غارنشینی با حیات او در آمیخته است. صرف‌نظر از دوره‌ی سرگردانی بشر در جنگل‌ها و کوهستان‌ها که دوره‌ی بی‌هویتی اوست فرهنگ با انسان همراه و با او همزاد بوده است.

فرهنگ ذهن و اندیشه‌ی بشر است که در تمام قرون و اعصار در حین انسانی و ناسوتی بودن، لاهوتی نیز هست که در میان تمام ملت‌های جهان و در صحنه‌ی زندگی جمعی همه‌ی نژادهای آدمی حضور فعال داشته است. عوامل به وجود آورنده‌ی آن نیز در درجه‌ی اول خود انسان و در مراحل بعدی محیط، هنر، آموزش، صنعت، دین، باورهای عمومی (چیزهای عامه)، ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، سحر و جادو و غیره) هستند که سراسر بسط و نقش هر یک از عوامل یادشده از حوصله‌ی این گفتار خارج است. شاید بزرگ‌ترین اثر فرهنگ افزون بر جنبه‌های مثبت، جهات تخریبی و پلیدی را نیز شامل است که همیشه جهات مثبت و سازنده‌ی آن مورد توجه بوده است. جهات ویرانگر فرهنگ و آسیب‌های فراوانی که از این رهگذر متوجه بشریت شده کمتر مورد بررسی کنکاش و دقت قرار گرفته است. در این خصوص، سحر و جادو، خرافات، باورهای عامیانه که به عنوان ته مانده‌های ذهن از دوران بربریت است به زندگی درخشان موجودی به نام انسان در جامه‌ی رسوب داده و او را بیش از پیش هیجان‌زده و ناآگاه کرده و می‌کند و جنگ نام، جاهل دانایی با نادانی را فراهم می‌آورد. از این رو لازم می‌آید بخشی از نمایی که در اثر ناهنجاری‌های اجتماعی بر بدنه‌ی جامعه تحمیل شده و جامعه را شکننده و آسیب‌پذیر کرده، و نتیجه‌ی آن خشونت، نامهربانی، جرم و جنایت انسان‌ها به همدیگر است، زیر عنوان بیماری‌های فرهنگی و عوامل به وجود آورنده‌ی آن‌ها، برخی از این بیماری‌ها و عادت‌های نکوهیده را مورد بحث و مذاقه قرار می‌دهیم.

در این بخش به جرأت می‌گوییم که انسان گاهی بیش از وحدانیت خداوند اسیر افکار منحط بوده و مغز او در گرو افکار شیطانی، ساحر، رمال دعانویس، و غیره قرار دارد. از جمله‌ی این عوامل می‌توان به

ویژگی‌های اجتماعی و عوامل طبیعی، نیرنگ ساحر و به انحاء مختلف از فنجان فاله قهوه تا پرستش موجودات طبیعی، و القای اندیشه‌های پوچ و بیهوده از رمل و اسطرلاب و بت‌پرستی اشاره کرد که در زندگی معنوی مردمان جهان متجلی می‌شوند. ملت‌های جهان در طول تاریخ مشکلات خود را برای رسیدن به جامعه‌ای ایده‌آل و بدون درد و رنج و محو اثرات سوء طبیعی و ماروای طبیعی، به صورت علامت‌ها و عبارت‌های کوتاه خلاصه کرده و جوهر زندگی که حاصل تجربه‌ی مشقت‌بار و یا پیروزی بر امریمن است در قالب جملات کوتاه بیان کرده و برای رسیدن به شادانی بهره‌ی راهکارهای لازم را ارایه داده است که این راهکارها را بیشتر بکنان و فرهیختگان نشان می‌دهند. جای گفتن دارد با به کارگیری شیوه‌های کلاسیک از سرایت افکار خرافاتی به نسل‌های آینده جلوگیری می‌شود.

در گفتارهای دیگر به نیرنگ شفاهی که سینه به سینه نقل و بیان شده و به عنوان قصه‌های ماندگار که زندگی جمعی را نورباران کرده‌اند اندک اشاره‌ای خواهیم داشت.

امید است با شنیدن و به کار بستن این باید ما و نا بود کردن نبایدها، این ناهنجاری‌ها را درمان و بیماری‌های فرهنگی را ریشه کن کنیم تا ضمن تعالی مقام معنوی انسان برای ارتقای جهات مثبت و سازندگی زندگی اجتماعی نیز گامی برداشته باشیم و بشریت را بیش از پیش به ترجمه رسالت حاکمیت او در اداره‌ی جهان در پرتو اخلاق بنماییم.

جمشید محبوبی